

Intermediate 3 vocab

access (n.)	(اجاره) دسترسی
access (v.)	دسترسی پیدا کردن به
accessible (adj.)	در دسترس
account (n.)	صورت مبالغ دریافتی و پرداختی
account for (v.)	تشکیل دادن، عامل چیزی بودن
accumulate (v.)	روی هم انباشته شدن (یا کردن)
accumulation (n.)	تجمع، انباشت، ذخیره
accustomed (adj.)	خوگرفته، معتمد، عادت کرده
achievement (n.)	دستیابی، پیروزی، موفقیت
acupuncture (n.)	طب سوزنی
adequate (adj.)	کافی، مناسب
advanced (adj.)	(در سن) بالا
after all (exp.)	هر چه که باشد (مثلا، هر چه که باشد، او دوست توست)
agriculture (n.)	کشاورزی
ambitious (adj.)	بلندپرواز، جاهطلب
announcement (n.)	اعلان (وضعیت)
annual (adj.)	سالانه (سالی یک بار)
antenna (n.)	آنتن
appealing (adj.)	جداب
appliance (n.)	دستگاه، (جمع: لوازم منزل)
appoint (v.)	گماشتن به کار
assume (v.)	عهده دار شدن (مثلا کنترل جایی)
assure (v.)	اطمینان دادن به
at a time (exp.)	در یک زمان، باهم
at (the) most (exp.)	حداکثر، خیلی باشد
award (v.)	اعطا کردن
backward (adj.)	(رو) به عقب
balance (n.)	موجودی (حساب بانکی)
ballpoint pen (n.)	خودکار (با یک توب ریز در نوکش)
ban (v.)	(رسما) ممنوع کردن
bankrupt (n.)	ورشکسته
base (n.)	بستر، ته، کتف
bathe (v.)	شستشو کردن در حمام
bell tower (n.)	برج ناقوس (در کلیسا و ...)
be at odds (with sb) (exp.)	مخالفت داشتن (با کسی)
bend (n.)	پیچ (در جاده یا رودخانه)
bend (v.)	پیچیدن، تغییر مسیر دادن
biophysicist (n.)	دانشمند (در زمینه) زیست - فیزیک
biotechnology (n.)	بیوتکنولوژی
bitterly (adv.)	زارزار، با صباپنیت، ناراحتی یا نالمیدی
bleeding (n.)	خونریزی
boardroom (n.)	اتاق جلسه (برای مدیران یک شرکت)
breadwinner (n.)	نان آور
break through (v.)	پیشرفت کردن (علیرغم مشکلات)
breath (n.)	دم، نفس
breathe (v.)	نفس کشیدن
breeze (n.)	نسیم
bristle (n.)	موی زیر (مثلا در مسوک)
built-in (adj.)	توکار، از ابتدای ساخت روی دستگاه یا برنامه کامپیوتری سوار شده
buzz (v.)	وژوژ کردن
by/in contrast (exp.)	در مقابل (برخلاف کسی یا چیزی)
capable (adj.)	توانان، مستعد
caption (n.)	زیر نویس (عکس، فیلم)
carefree (adj.)	سیبکار، بی خیال
cause (n.)	سبب، علت، انگیزه، هدف
CD-ROM (n.)	سی دی
chairman (n.)	رئیس جلسه یا هیأت مدیره
chance (v.)	شанс آوردن، اتفاقی انجام دادن
chapter (n.)	فصل (کتاب)
chew (v.)	جویدن
chip (n.)	تراشه الکترونیک
chore (n.)	کارهای عادی و روزمره (معمولاً نامطلوب)

circumstance (n.)	وضع، اوضاع (جمع)
clerical (adj.)	(کار) دفتری
close (adj.)	دقیق، با جزئیات
collision (n.)	ضریبه، تصادف
combine (v.)	باهم پیوستن، همراه کردن
comp up (v.)	پیش آمدن، اتفاق افتادن
committee (n.)	شورا، هیأت بررسی
compassion (n.)	دلسوزی، همدردی
complaint (n.)	اعتراض، شکایت
complementary (adj.)	مکمل
complex (adj.)	پیچیده
comprehend (v.)	دریافتن، درک کردن
compute (v.)	محاسبه کردن
concave (adj.)	مُعَقَّر، کاو، توگود
concentrate (v.)	متتمرکز کردن در یک محل
concept (n.)	مفهوم
conduct (v.)	انجام دادن (مثلا یک بررسی)
conflict (n.)	تضاد، عدم موافقت
congested (adj.)	با ترافیک (سیار سنجیگ)
congestion (n.)	تراکم، ازدحام، ترافیک
connectivity (n.)	(قابلیت) اتصال
conservative (adj.)	محافظه کار، پیرو سنت قدیم
consultant (n.)	مشاور
content (adj.)	راضی، خوشنود
contract (v.)	منقیض کردن، منقضی شدن
contrast (n.)	کُنترast، تباین، تفاوت بین رنگ‌ها (یا بین تیره و روشن)
controversial (adj.)	بحث‌انگیز، جدال‌آمیز
convex (adj.)	مُعَدَّب، کوژ، برآمده
cop (n.)	(پک افسر) پلیس
counteract (v.)	عمل مقابل کردن، بی اثر کردن
coupon (n.)	کوبین
court (n.)	دادگاه
crash (v.)	درهم شکستن یا سقوط ناگهانی
creepy (adj.)	مورمور کننده، عصبی کننده
critical (adj.)	بسیار مهم
currently (adv.)	در حال حاضر
cut down (on sth) (v.)	کمتر کردن انجام یا مصرف چیزی (بخصوص برای سلامتی)
data (n.)	داده (قابل درک فقط برای کامپیوتر)
database (n.)	پایگاه داده (مجموعه بزرگ اطلاعات به صورت سازمان دهی شده)
day care (n.)	مهد کودک
deal with (v.)	رسیدگی کردن به
dealer (n.)	دلال، معاملات‌چی
deserve (v.)	سزاوار (چیزی) بودن
desire (v.)	میل داشتن، آرزو کردن
desktop (adj.)	رومیزی (در مورد لوازم جانبی کامپیوتر)
detail (n.)	جزئیات
detection (n.)	اکتشاف، ردیابی
detector (n.)	ردیاب
determined (adj.)	مُصمم
develop (v.)	ظاهر کردن یا شدن (فیلم)
device (n.)	وسیله، دستگاه
diagnosis (n.)	تشخیص (پزشکی)
dilate (v.)	بزرگ شدن (مردمک چشم)
disabled, the (n.)	افراد معلول
discipline (n.)	انضباط، دیسیپلین
disconnect (v.)	قطع کردن (ارتباط تلفنی و ...)
distance learning (n.)	آموزش از راه دور
DNA fingerprinting (n.)	انگشت نگاری DNA (بخصوص جهت پیدا کردن فرد مجرم)
do without (v.)	بدون چیزی ادامه دادن
document (n.)	سنده، مدرک
doge (n.)	لقب رئیس جمهور در جمهوری‌های باستانی ونیز (Venice) و جنوا (Genoa) در ایتالیا

domineering (adj.)	شخصیت سلطه جو	خلق کردن (مثلاً ایده‌های نو)
double dutch (n.)	طنابزنی با دو طناب بلند	ژنتیک (مربوط به ژن‌ها و مطالعه‌ی آن‌ها)
Drive (n.)	در نام جاده‌ها یا خیابان‌ها استفاده می‌شود	(دوسستانه) به سر بردن
drop (n.)	آفت (در مقدار یا ارزش)	روشن کردن مطلبی
drug (n.)	داروی یا ماده مخدر	تسلیم کردن یا شدن خود یا کسی
duke (n.)	دوک (حاکم یک کشور یا منطقه کوچک در اروپا در گذشته)	تسلیم شدن، رها کردن
dull (v.)	خفیف کردن (درد)	محبوده‌ی خیالی برای محدود کردن فعالیت زنان (هر چند که از نظر قانونی مانع نباشد)
dye (v.)	رنگ کردن (و تغییر رنگ دادن)	خرابیدن، سُرخوردن و رفتن
dynamite (n.)	دینامیت	جلال، افتخار، شکوه
ease (v.)	تحفیف دادن درد یا کم کردن مشکل	قطع شدن (برق، نور)
edutainment (n.)	برنامه کامپیوتراً یا تلویزیونی که با تفریح آموزش می‌دهد	سیاسگر، ممنون
electromagnetic (adj.)	الکترومغناطیسی	در حال افزایش
emerge (v.)	ظاهر شدن، شناخته شدن	اتاق (خواب) مهمان
emphysema (n.)	آمفیزیم (یک بیماری ریوی)	آدامس
endure (v.)	دوان	دستی (دوربین، کامپیوتراً ...)
engineer (v.)	مهندسی ژئوتک کردن	دستی، ساخت دست
enhance (v.)	بهبود پخشیدن به	لنگرگاه
enjoyment (n.)	لذت، خوشی	(تصادف) شاخ به شاخ
ensure (v.)	اطمینان دادن	خانه‌دار
entire (adj.)	همگی، تمام، پیکارچه	محترم
errand (n.)	اموریت، کاری که باید برای انجام، دنبال آن فرستاد (مثلاً فرستادن برای خرید چیزی)	باری لی لی
establish (v.)	ادر جایی (مثلاً در تیم) برای مقامی جا افتادن و شناخته شدن	آرمان‌گرا
estate (n.)	دارایی	شناسایی کردن
evident (adj.)	آشکار	غیرقانونی
evil (n.)	شَّر، بدی	تخیلی، برخوردار از تخیل فوی
exclusive (adj.)	انحصری	پلافلسله، (افراد) نزدیک
executive (adj.)	(مدیر، برنامه) اجرایی	اثر شدید
expand (v.)	توسعه یافتن یا توسعه دادن	ناخالصی
expectation (n.)	انتظار، چشم داشت (مثلاً انتظار معلم از دانشآموز)	با جمع، همراه با دوستان
expenses (n.)	هزینه‌ها	(به صورت) خصوصی
explosive (n.)	ماهه منفجره	بدهکار (به بانک)
extended family (n.)	خانواده گسترده (والدین، فرزندان و فامیل)	در نتیجه، متعاقباً
extensive (adj.)	گسترده (با جزئیات زیاد)	درآمد
facility (n.)	تالیسیات یا ساختمان برای کاری خاص (مثلاً پزشکی)	ناسازگار، ناجور
factor (n.)	عامل	انقلاب صنعتی
fair (adj.)	بی طرف، عادله	صاحب صنعت، کارخانه‌دار
fall into (v.)	(به دو یا چند دسته) تقسیم شدن	صنعت
fame (n.)	شهرت، آوازه	باشگاهی (حتی، بلکه)
favor (v.)	طرفداری کردن از	درواقع (حتی، بلکه)
feature (n.)	ویژگی	شاهره اطلاعات (شبکه‌های جهانی کامپیوتراً که اینترنت را می‌سازند)
female (n.)	جنس ماده، موئث	تنفس کردن، توکشیدن
fill (v.)	نسخه پیچیدن	خجالتی، کم‌گو
firstborn (n.)	فرزند اول (ارشد) خانواده	ابتکاری، مبتکر
flexible (adj.)	اعطا‌پذیر	امیدبخش
flexitime (n.)	سیستم کاری با ساعات کار دلخواه	بیمه کردن
flow (n.)	جریان (اطلاعات، آب، خون و ...)	یکپارچه کردن، گنجاندن
folk(s) (n.)	مردم	اثر متقابل، برقراری ارتباط
food processor (n.)	خردن و مخلوط کن	برنامه کامپیوتراً اینترآکتیو (که با کاربر ارتباط برقرار می‌کند)
for life (exp.)	مادام عمر	داخل
forefinger (n.)	انگشت اشاره (سبابه)	(روابط) میان فردی
form (v.)	به شکل خاصی درآوردن	پرسش‌گر، فرد انجام دهنده مصاحبه
former (adj.)	سابق	تجاوز زدن (به زندگی خصوصی)
forward-looking (adj.)	آینده‌نگر	پرسش‌گر، فرد انجام دهنده مصاحبه
frustrating (adj.)	نایاب‌کننده، ناراحت‌کننده	تجاوز زدن (به حریم خصوصی)
function (n.)	عملکرد	مبتکر
funds (n.)	وجوه، پول برای کاری خاص	فهرست اموال، لیست موجودی
furnish (v.)	مبله کردن، دارای اثاثه کردن	سرمایه‌گذاری
further (adj.)	بیشتر، اضافی، (اطلاع) ثانوی	درگیری، دخالت
furthermore (adv.)	بعلاوه، از این گذشته	ژئوگرافی
gastrointestinal (adj.)	مریبوط به معده و روده، گوارشی	پردازش‌گر
gene (n.)	ژن (عامل موجود در کروموزوم که ناقل صفات ارثی است)	درگیری، دخالت

irritate (v.)	سوزش دادن (مثلاً چشم)	off (adv.)	جدا (شده) از محلی (مثلاً در off به زمین افتادن)
irritation (n.)	سوزش، تحریک، تخریش	on (prep.)	همراه (با خود داشتن چیزی)
job-sharing (n.)	انجام یک کار به صورت نوبتی (مثلاً توسط دو دانشجو)	one's fellow man/men (exp.)	ساختمان (مثلاً افرادی غیر خودم، خودش و ...)
judgment (n.)	قضاؤت	on the part of sb (exp.)	کار، تقصیر، یا در مسئولیت کسی بودن
laboratory (n.)	آزمایشگاه	on the point of doing sth (exp.)	درست کمی مانده به انجام کاری
laser (n.)	وسلیله تولید لیزر	opening (n.)	گشایش، فرست (انجام کاری)
laureate (n.)	برندۀ جایزه (خصوص نوبل)	operate (v.)	به کار آنداختن و کنترل کردن (یک دستگاه)
leadership (n.)	مدیریت، رهبری	opponent (n.)	حریف
lean (v.)	نکته کردن، کج شدن	oral (adj., n.)	شفاهی، یک امتحان شفاهی
lessen (v.)	تحفیف یافتن، کمتر کردن	organization (n.)	سازمان
liable (adj.)	محتمل	organizer (n.)	کتابچه یا وسیله (برنامه کامپیوتری یا موبایل) جهت برنامه‌ریزی کارها
license plate (n.)	پلاک خودرو	otherwise (adv.)	و گرنه، در غیر این صورت
lie (v.)	قرار گرفتن (یک تصمیم، مسئولیت یا یک انتخاب در مجموعه وظایف کسی)	over- (prefix)	(بیشوند) بیش از حد، زیادی
light (adj.)	(ترافیک) سبک	overbearing (adj.)	(شخصیت) مغروف، از خود راضی
light bulb (adj.)	(حباب شیشه‌ای) لامپ	overturn (v.)	چپه کردن یا شدن، دمّر کردن
likelihood (n.)	احتمال	overwork (v.)	کار زیاد کردن، خود را خسته کردن
linguist (n.)	زبانشناس	palace (n.)	کاخ، قصر
lining (n.)	استر، پوشش (مثلاً داخل معده)	pamper (v.)	به خود رسیدن (مثلاً بعد از کار سنگین)، پناز پروردن
listen in (on sth) (v.)	گوش ایستاندن	parental (adj.)	والدینی
literature (n.)	ادبیات	passage (n.)	راه، مجرأ (مثلاً مجرای تنفسی)
live up to (v.)	مطلوبی با استاندارد (کسی) عمل کردن	password (n.)	پسورد، رمز
liver (n.)	گبد	patriotic (adj.)	میهن‌دوستانه، میهنه دوست
living, the (n.)	افرادی که هنوز زنده‌اند	pattern (n.)	طرح، الگو، شیوه
locate (v.)	جای چیزی را تعیین کردن	PC (n.)	پی‌سی (کامپیوترا شخصی)
location (n.)	جایگاه، محل	peacetime (n.)	دوران صلح
magnify (v.)	زیر ذره‌بین بزرگ کردن	penetrate (v.)	رسوخ کردن، نفوذ کردن
maintain (v.)	مدعی بودن (حقیقت داشتن چیزی)	penetration (n.)	رسوخ، نفوذ
make a name for oneself (exp.)	مشهور شدن	persuasion (n.)	قانع سازی، تشویق
make ends meet (exp.)	درآمد بخور و نمیر داشتن	persuasive (adj.)	متقاعد کننده، واهار کننده
make for (v.)	پیش رفتن بسوی	phobia (n.)	هراس، فوبی، ترس بی خود
mankind (n.)	نوع بشر	pile up (v.)	روی هم انباشته شدن
march (v.)	نظمی وار رفتن، قدم رو کردن	pinpoint (v.)	با دقت اشاره کردن به
mathematician (n.)	ریاضی دان	pipe (n.)	لوله‌ی آرگ موسیقی (برای فوت کردن)
mealtime (n.)	موقع صرف غذا	plus (adj.)	بیش از
medicine cabinet (n.)	جبهه دارو در منزل	point out (v.)	اشارة کردن (گفتن)
meet (v.)	پاسخ‌گو بودن (برای یک نیاز)	portable (adj.)	قابل حمل (پرتابل)
membrane (n.)	غشاء، پرده (گوش)	portray (v.)	(بی) تصویر کشیدن
memorial (n.)	پادگار، لوحه یادبود	pose (v.)	مطرح کردن یا ایجاد کردن (یک وضعیت دشوار یا خطربناک)
mere (adj.)	تنها (مثلاً "تنها ۲ کیلو وزن کم کردم.")	possess (v.)	(در تمکن) داشتن
migraine (n.)	میگرن (سردرد)	potential (n.)	پتانسیل، استعداد نهانی
millennium (n.)	هزاره (هزار سال)	practical (adj.)	عملی، کاربردی
mine (n.)	مین (بمب مخصوص کار گذاشتن زیر خاک)	practice (n.)	فعالیت پیشکان، وُکلا و ...)
minimize (v.)	به حداقل رساندن	prescribe (v.)	تجویز کردن، نسخه نوشتن
mining (n.)	معدن کاری	primary (adj.)	(در مراحل) اولیه، ابتدایی
modify (v.)	(به طور جزئی) اصلاح کردن	privacy (n.)	خلوت، حریم (خصوصی)
monetary (adj.)	بولی	process (n.)	فرایند
monitor (v.)	نظرات کردن بر	productive (adj.)	مفید، پُربار
motivated (adj.)	پائین‌بیزه	professor (n.)	استاد (تمام)، پروفسور
mount (v.)	سوار شدن (بر اسب)	proliferate (v.)	زیاد شدن، کثیر شدن
mouth (n.)	دهانه (مثلاً آتفشان)	psychoanalytic (adj.)	مربوط به روانکاوی (پیدا کردن علت مشکل روحی با صحبت کردن در مورد گذشته فرد)
multimedia (adj., n.)	چند رسانه، چند رسانه‌ای، مالتی مدیا	publicity (n.)	شهرت، تبلیغات
musician (n.)	موسیقی‌دان، نوازنده	pupil (n.)	شاگرد (خصوصاً بچه)
mysterious	مرموز، مبهم	purchase (n.)	شیء یا چیز خردباری شده
nanny (n.)	پرستار بچه	put sb to death (exp.)	کسی را کشتن
necessitate (v.)	ناآگزیر کردن، مجبور کردن	pyramid (n.)	هرم (بنای سنگی) [the Pyramids]
nerve (n.)	عصب	question (v.)	مورد تردید یا اعتراض قرار دادن
network (n.)	شبکه (کامپیوتری)	radically (adv.)	از بین، اساساً
nickname (v.)	اسم مستعار	range (v.)	تغییر کردن (از موضوعی تا موضوع دیگر)
nifty (adj.)	جداب، ماهرانه، مفید و ساده (مثلاً آبمیوه‌گیر)	rapidly (adv.)	بسرعت
nobleman (n.)	نحیب‌زاده (از طبقه اعیان و شایسته)		
nonprescription (adj.)	(داروی) قابل خرید بدون نسخه		
occupy (v.)	اشغال کردن (یک موقعیت یا شغل)		

rebuild (v.)	پارسازی کردن (مثلاً زندگی)		
record (n.)	سابقه		از کسی یا چیزی منتفر شدن
recurring (adj.)	عود کننده، برگردانده		علاقه نشان دادن به
registered (adj.)	(رسوله پستی) بیمه شده		بدون فکر، اطمینان حاصل کردن و همین طوری چیزی را به
relationship (n.)	رابطه (بین افراد)		عنوان درست پذیرفتن
relieve (v.)	آرام کردن (درد)		تحویل گرفتن (مسئلیت چیزی)
remote (n.)	(کنترل از) راه دور (تلوزیون)		یکی از مواد سمی تباکو (که بعد از سوختن، سیاه و چسبناک است)
resolve (v.)	تصمیم قطعی گرفتن		ذوق و علاقه (به چیزی)
respiratory (adj.)	تنفسی		تکنسین، تعمیر کار
responsibility (n.)	مسئولیت		کار کردن از راه دور
ridiculous (adj.)	مسخره		مرکز تلفن خودکار
rock (n.)	صخره سنگ		میزاج، خلق، خو
routine (adj.)	عادی، معمولی، روتین		گیجگاه
run into (v.)	گرفتار شدن به، برخوردن به (مثلاً باران)		گرایش، تمایل
sail (n.)	پادبان		شکننده
sample (v.)	نمونه برداشی کردن، مورد آزمایش قرار دادن		نظریه
scalp (n.)	پوست سر		درمان‌گر، تراپیست
schedule (v.)	در برنامه گذاردن		بسیار ساده است.
screenwriter (n.)	نویسنده نمایشنامه‌های رادیویی و تلویزیونی		به یک شکل درست یا غلط (آن‌طرفی، این‌طرفی، سر و ته یا پشت و رو ...)
secretly (adv.)	مخفيانه		برای خود و به تنها یافکر کردن و تصمیم گرفتن
secure (adj.)	(آنده‌ی) مطمئن		سراسر یا در طول (مثلاً سال)
seek (v.)	گشتن، جستجو کردن (مثلاً پاسخ)		(انگشت) شست
seek one's fortune (exp.)	در مکانی جدید برای خوشبختی و موفقیت زندگی کردن		بافت (در بدن، گیاه، حیوان ...)
sensitive (adj.)	حساس		رو در روی کسی (مسقیماً)
sensor (n.)	حسگر، سینسor		در موقع لمس کردن
set (v.)	در نظر گرفتن (یک وظیفه، کار، مشکل، یا ... برای انجام یا حل کردن)		انگشت پا
shiver (v.)	لرزیدن (از سرما، بیماری یا ترس)		وسیله، ابزار
shoulder blade (n.)	استخوان شانه		سننی
sibling (n.)	برادر یا خواهر فرد		خط طولانی ترافیک خودروها
side effect (n.)	اثر جانبی و زیان‌آور دارو		وینیگی، صفت (در شخصیت کسی)
significant (adj.)	قابل توجه		دگرگون کردن
similarity (n.)	شباهت		تمایل، گرایش، روند کار
single-parent family (n.)	خانواده‌ی با فقط پدر یا مادر (نه هر دوی آنها)		برانگیزنده (یک واکنش بد)
sinus (n.)	سینوس (حفره در پیشانی و گونه‌ها)		ستمگرانه
site (n.)	وب سایت اینترنتی		سرانجام
sleep on sth (v.)	به تاخیر انداختن یک تصمیم تا فردا		دست کم گرفتن
slippery (adj.)	لیز		وارونه
smoothly (adv.)	بدون دردسر و تاخیر		ازرش
so-called (adj.)	به اصطلاح		متفاوت (در یک مجموعه از اقلام مثل لباس)
soak up (v.)	جدب کردن (مایع)		گوناگون، متنوع
social (adj.)	دوستانه، اجتماعی		مقدار زیاد
sofa bed (n.)	مبلی که به تخت دو نفره تبدیل می‌شود		مدل، نگارش، ورژن
spectacles (n.)	عینک		رگ، آوتد، مجرأ (برای عبور مایع) در بدن انسان، حیوان و گیاه
spoil (v.)	لوس کردن (بچه)		ویدئوکنفرانس
spot (n.)	لکه (روی لباس)		واقعیت مجازی (سه بعدی)
spy (out) (v.)	متوجه (حضور کسی یا چیزی) شدن		حیاتی، ضروری
stand (v.)	در یک موقعیت یا وضعیت خاصی بودن		واکمن
stimulate (v.)	تحريک کردن (قسمتی از بدن توسط دارو)		گرمی، حرارت
store (v.)	ذخیره کردن اطلاعات (در مغز یا کامپیوتر)		مجوز (مثلاً برای دستگیری کسی)
strengthen (v.)	تفویت کردن		ضعیف کردن، سست کردن
sturdy (adj.)	(بدن) سالم و خوش بُنیه		دولتمند، ثروتمند
subsequent (adj.)	ثانویه، بعدی		اسلحة
sue (v.)	تعقیب قانونی کردن		وصیت‌نامه
summon (v.)	احضار کردن		کارگاه (تجمع افراد یا دانشمندان برای بحث یا فعالیت یک، دو یا چند روزه)
supply (v.)	تامین کردن چیزی برای کسی که احتیاج دارد		جهانی
support (v.)	تامین (حمایت) کردن (پول، غذا، پناهگاه) برای زندگی		مشاجره کردن
surveillance (n.)	زیر نظر داشتن (توسط پلیس)		جهانی
suspect (v.)	مظنون بودن		جهانی
switch (v.)	عوض کردن (مثلاً بحث)		جهانی
tablet (n.)	قرص (دارو)		جهانی
tag (n.)	گرگم پنهان (یک بازی بین دو یا چند بچه که در آن یکی از بچه‌ها دیگران را دنبال کرده و به هر کدام که موفق شود دست بزند، او باید دیگران را دنبال کند.)		

practicelawus@yahoo.com (for your comments)
studymoreathome.blogspot.com (for the pdf version)

